

## حزب و جامعه و کنگره پنجم

با توجه به اتفاقات اخیر در حزب و مباحثی که باعث انشعاب تعدادی از اعضای حزب شد لزوم یاد آوری بعضی از مباحث اساسی منصور حکمت بیشتر نمایان می شود. این امر مخصوصا در آستانه برگزاری کنگره پنجم بیشتر مربوط می شود.

در اینجا تعدادی نقل قول از بحث حزب و جامعه اثر منصور حکمت را بدون هیچ توضیح و تفسیر اضافه ای می آورم. این بحث عمدتا دارای دو محور است:

اول: راه های کسب قدرت سیاسی توسط ح.ک.ک که در اکثر جملات آمده است و در همه موارد کلمات انقلاب قیام طبقه کارگر کلمات کلیدی هستند. در هیچ کجای این بحث اثری از روش های دیپلماتیک برای کسب قدرت سیاسی مشاهده نمی شود.

دوم: مقدمات و دستور العمل هایی است که پیش روی حزب قرار می گیرد تا به کسب قدرت سیاسی و هدف نهایی که ایجاد فوری جمهوری سوسیالیستی است نائل شود.

در این مطالعه نه تنها هیچ کجا به تضادی بین بحث فوق و نظرات رهبری حزب (حمید تقوایی) مشاهده نمی شود بلکه این بحث دقیقا تائیدی است بر اسناد پیشنهادی دفتر سیاسی به کنگره که توسط حمید تقوایی تنظیم شده اند.

از بند اول سند اول که بی شک ماحصل بحث "آیا کمونیزم در ایران پیروز می شود" است تا بند آخر سند دو که نتیجه مستقیم بحث حزب و جامعه است و تا سند شماره سه که نتیجه بحث شور اها است همگی در هماهنگی کامل با نظرات منصور حکمت می باشند.

با مطالعه آثار منصور حکمت به روشنی می بینیم که کنگره پنجم کنگره آرائی و نظرات منصور حکمت است نه نام خشک و خالی او و یا پسوندی از نامش بر نامی آشنا!

بدون شک منصور حکمت بدون حمید تقوایی منصور حکمت نمی شد بدون آثر ماجدی منصور حکمت نمی شد و حزب بدون اصغر کریمی حزب نمی شد. اینان کمونیست های شناخته شده ایران هستند.

نوید مینایی 04/9/11

نقل قول ها:

"کلمه کمونیسم و سوسیالیسم به تنهایی بدون هیچ توضیحی برای کارگر بسیار قوی است. کارگر بطور غریزی و طبیعی در یک دعوی اجتماعی سوسیالیست ها را پیدا میکند. این جزو سنت طبقه کارگر است. سوسیالیسم محصول طبقه کارگر است."

"وقتی از مکانیسم های خود جامعه صحبت میکنم منظورم مکانیسم های قانونی جامعه نیست. قیام و انقلاب مکانیسمهای جامعه معاصر است برای تغییر. خیزش، شورش، جنگ، مکانیسم های جامعه معاصر است برای تغییر."

"حزب کمونیست کارگری به مثابه یک حزب کارگری، حزبی که بر جدالها و جدلهای تعیین کننده ای بر سر مارکسیسم و تمایز کمونیسم کارگری از کمونیسم بورژوازی بنا شده است، امروز به جایی رسیده است که تنها راه جلو رفتنش درک رابطه حزب و جامعه و درک مقوله مکانیسم اجتماعی کسب قدرت است. منظورم از کسب قدرت حمله روز آخر به کاخ زمستانی و تشکیل دولت نیست، بلکه منظورم قوی شدن و ذینفوذ شدن حزب در جامعه است به نحوی که یک پای مهم جدال طبقات بر سر قدرت باشد، و از بالای سرش نتوانند چیزی را به جامعه تحمیل کنند."

"الان بجایی رسیده ایم باید نقشهایی در مقیاس اجتماعی بعهدہ بگیریم و ایفا کنیم. و بعنوان شخصیتهای زنده جنبش سوسیالیسم و کمونیسم کارگری یک کشور قد علم کنیم و حرف بزنیم، با همه جامعه حرف بزنیم."

"در کنگره دوم اشاره کردم که تاریخاً احزاب چپ وقتی خواسته اند اجتماعی بشوند و در ابعادی اجتماعی ظاهر بشوند، به راست چرخیده اند. اینطور توجیه کرده اند که جامعه راست تر از آنهاست و اگر رای میخواستند باید به راست بچرخند. و البته تاریخاً هم در این کار شکست خورده اند."

"ما یکی از محدود سازمانهای کمونیستی بعد از بلشویکها هستیم که میخواهد روی رادیکالیسم و ماکزیمالیسمش توده ای بشود. سازمانی که اتفاقاً میخواهد ماکزیمالیسم و کمونیسم را توده ای و اجتماعی کند. میخواهد آرمانها و ایده انقلاب کمونیستی اش را ببرد و توده ای و اجتماعی کند. میخواهد حرف آخرش در مورد مذهب را به حرف جامعه بدل کند. ما کسانی هستیم که معتقدیم باید این کمونیسم بی تخفیف را توده ای و اجتماعی کنیم."

"این دورنما، دو سوال را جلوی ما میگذارد، اول اینکه آیا اصولاً چنین کاری ممکن است؟ که بنظر من تجربه ثابت کرده است که در دوره ما اتفاقاً این روش کارساز است. جامعه معاصر پاسخهای رادیکال و انسانهای رادیکال و سازش ناپذیر میخواهد. کسانی که حرف اساسی و بنیادی خود را میزنند و میخواهند همفکران و همراهان خود را متحد کنند تا کل این افق رادیکال را متحقق کنند."

آنچه که یک سازمان را یک حزب سیاسی میکند و آن را از گروههای فشار، محافل فکری، فرقه های عقیدتی، کانون های ادبی و انتشاراتی و شبکه های محفلی متمایز میکند، در درجه اول رابطه آن سازمان با قدرت سیاسی است، چه بعنوان یک مفهوم در اندیشه آن سازمان و چه بعنوان یک واقعیت در حیات و پراتیک آن سازمان. منظورم از قدرت سیاسی فقط قدرت دولتی نیست. منظورم فقط فتح و کسب قدرت دولتی نیست. این امری نیست که هر روز رخ بدهد. بلکه منظورم توانایی یک سازمان برای گردآوری نیرو و تاثیر گذاری بر معادلات قدرت در یک جامعه است. تبدیل شدن یک سازمان به یک وزنه مهم در تعیین تکلیف سیاسی جامعه."

پرداختن به قدرت سیاسی در درجه اول مقوله ای است اجتماعی. جدال بر سر قدرت سیاسی اختراع کمونیستها نیست. جامعه برای دست بدست شدن قدرت سیاسی مکانیسم هایی دارد... مکانیسم های اجتماعی کسب قدرت، مکانیسم های قوی شدن و در قلمرو سیاسی پیروز شدن، در جامعه معاصر چیست. این بحث خیلی ملموسی است. بگذارید بپرسم در این دنیا چگونه میشود انسانهای زیاد را مخاطب قرار داد، چگونه میشود انسانهای زیاد را متحد و متشکل کرد، چگونه میتوان جنبشی ساخت که بر افکار انسانها در مقیاس وسیع تاثیر بگذارد."

"اولین نکته این است که مبارزه برای قدرت سیاسی یک مبارزه علنی است. مردم بطور عادی علنی اند و این مردمنم و طبقات اجتماعی اند که بر سر قدرت مبارزه میکنند. سعی میکنند بگیرند و ندهندش. مبارزه سیاسی در جامعه، بعنوان مبارزه ای میان انسانها در جامعه، مکانیسم هایی علنی دارد. با گفتن، حرف زدن، نوشتن، فریاد زدن، صدا کردن، توجه جلب کردن، نیرو جمع کردن، از اینجا به آنجا بردن، مقاومت کردن، سنگربندی کردن و غیره همراه است. مبارزه سیاسی مخفی چیزی است که به جنبش ما تحمیل شده است و هنوز میشود."

"اولین نتیجه گیری من اینست که فعالیت سیاسی باید در بُعد علنی، وسیع و جلوی چشم مردم صورت بگیرد و ما باید به آن پا بگذاریم."

"یک بعد دائمی و لایتنجی فعالیت ما اینست که روابط کارگری مان را فعال کنیم. بعد دیگر فعالیت ما اینست که در پهنه جامعه و در جدال قدرت حزب را بعنوان یک ابزار واقعی در دسترس طبقه کارگر قرار بدهیم تا برای تعیین تکلیف بنیادی جامعه آن را به عنوان حزب خود بدست بگیرد. این دومی را اگر انجام ندهیم در وظیفه کمونیستی خود کوتاهی کرده ایم."